

شیوه ی پیامبر در مبارزه با خرافات

زهره عباس نسب^۱

چکیده

یکی از عناصر مهم فرهنگ، اعتقادات و باورها، مبارزه با خرافات می باشد که این عقاید باطل و بی اساس به طور کلی برخلاف منطق و واقعیت ها می باشد. از آنجایی که خرافات از عناصر فرهنگی جدانشدنی جوامع انسانی هستند و قرآن کریم از همان ابتدای نزول خود، باورها و رفتارهای خرافی را برنناخته است، لذا، هدف پژوهش حاضر شیوه ی پیامبر در مبارزه با خرافات می باشد. شیوه برخورد آن حضرت با این قبیل از خرافات و رهنمودهایی که در این باره فرموده اند، در جهت اصلاح و اندیشه ها موثر می باشد. در نتیجه، این واژه نزد افراد عمومیت دارد، اما شدت و ضعف آن متفاوت است. به همین ترتیب به لحاظ کارکرد های آشکار و پنهان و مثبت و منفی ای که این دسته از عقاید در جوامع امروزی دارند، بحث و بررسی پیرامون آنها اهمیت ویژه ای می یابد. دستاوردهای این تحقیق نشان می دهد که شیوه ی مبارزه پیامبر با خرافات به دو گونه شیوه گفتاری مانند دعوت به تفکر و تعقل و تحصیل علم و دانش، مبارزه با فقر و شیوه رفتاری مانند مبارزه با جهل، تاخیر انداختن ماه حرام، زنده به گور کردن دختران می باشد. پژوهش حاضر با شیوه توصیفی، تحلیلی و به روش کتابخانه ای گردآوری شده است.

کلیدواژه: روش شناسی، پیامبر، مبارزه، خرافه.

طلبه سطح دو، شهرستان بم^۱

مقدمه

وقتی انسان از درک حقیقت ها و رابطه ی منطقی پدیده ها ناتوان باشد، برای بهبود بخشیدن به قوه ی خیالش پناه برده است و به کمک آن سخنان بی سامان گوناگونی ساخته و جهانی پر از ارواح نامرئی به وجود می آورد. چون انسان نادان با مشاهده عجایب طبیعت، دچار شگفتی می شود، بی اختیار جذب آنها شده است، در برابرشان احترام گذاشته و گاهی آنها را خدای خود می خواند؛ بر این اساس، می توان گفت: خرافات زاده ی خیالات انسانی و نیز گرایش انسان به سمت پرستش نیرویی برتر، گاه در مطابق مصداق گمراه شده و ماه، خورشید، ستاره و یا پدیده های مصنوعی دست انسان را به عنوان معبود قرار می دهد. بر اساس برخی از آیات قرآنی که بعضی دین پژوهی ها نیز آن را تأیید می کنند انسان ابتدا یکتاپرست بوده و پرستش بت، ماه، ستاره یا انسان از نوع انحراف هایی که به تدریج به وجود آمده است که در تاریخ فرهنگ انسانی به ویژه در عصر جاهلی، خرافات نموده ها و جلوه های متعددی داشته است. در این صورت، اهمیت قرار دادن این شیوه ها در برطرف کردن این خرافات با استفاده از شیوه هایی که پیامبر ارائه کردند ضروری می نماید؛ به ویژه که آن حضرت به پشتوانه ی وحی در جهت رشد حیات فکری، عقلانی جامعه تلاش کرده است، مردم را به خردورزی فراخوانده و دینداری بدون آگاهی را بی ارزش دانسته باشد. گفتنی که روایات نبوی و رهنمودهای آن حضرت در کتب روایی و تفسیری پراکنده بوده و به طور مستقل و به یک میزان مورد توجه قرار نگرفته باشد؛ از این رو نگارنده گاهی هر چند ناچیز در این زمینه بر می دارد. در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در این زمینه و در ارتباط با موضوع پژوهش به صورت پراکنده نوشته شده است و هر کدام از این پژوهش ها به یک بحث در ارتباط با این موضوع پرداخته اند از جمله در مقاله: مبارزه پیامبر (ص) با آداب و رسوم خرافی، مولف: (فتحیه فتاحی زاده، 1387)، در این مقاله، مساله خرافه و نقش پیامبر (ص) در خرافه زدایی مورد بحث قرار گرفته است. در مقاله: روش های مقابله با پندارهای غلط و خرافه ها از دیدگاه قرآن و روایات، مولف: (اعظم رحیم زاده، 1402)، در این مقاله، به بررسی روش های مقابله با پندارهای غلط و خرافه ها از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته است. در مقاله: واقعیت نگری و پرهیز از خرافات در سیره پیشوایان، مولف: (محمد محمدی اشتهاودی، 1383)، در این مقاله، به واقعیت نگری و دوری از خرافات بررسی شده است. دستاوردهایی که در این مقاله نشان می دهد که مهم ترین اقدام پیامبر در جهت مبارزه با خرافات، که آن حضرت به پشتوانه ی وحی در جهت حیات فکری، عقلانی جامعه تلاش کرده است که مردم را به خردورزی فراخوانده و دینداری بدون آگاهی بی ارزش دانسته است. هدف از این مقاله، شیوه پیامبر در مبارزه با خرافات می باشد. مقاله حاضر به سه بخش تقسیم شده است که در ابتدا به مفهوم شناسی خرافات و خرافات در نگاه قرآن کریم و در سخن آخر به شیوه پیامبر در

مبارزه با خرافات پرداخته شود. بر این اساس ما در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالی هستیم که بیانگر و روشن‌کننده این تحقیق باشد ازجمله:

1- شیوه‌ی پیامبر در مبارزه با خرافات چیست؟

1-1- مفهوم‌شناسی خرافات

خرافه کلمه‌ای عربی از ریشه «خرف» می‌باشد. در فرهنگ لغات عربی الخرافه حدیث مستملح کذب¹ خرافه سخن جذاب دروغ است. «الخرافه ج الخرافات و المشهور انها الحدیث الباطل»² جمع خرافه خرافات است و مشهور آن است که به هر سخن باطلی خرافه گفته می‌شود.

خرافات جمع (خرافه) یعنی حکایت‌های شب، سخنان بیهوده و پریشان که خوشایند باشد.³ بعضی خرافه را اسطوره و افسانه دانسته‌اند.⁴ اباطیل یا سخنان بیهوده که هیچ پایه و اساسی ندارد.⁵

در معنای اصطلاحی خرافات هر نوع عقیده و عمل دینی نامعقول، وحشت غیر منطقی یا ترس از چیز ناشناخته مرموز و خیالی یک عقیده، تردید یا عادت و امثال آن که پایه آن ترس یا جهل است.⁶ از لحاظ دینی عبارت از عقاید باطل و بی‌اساس که خالف منطق و واقعیات است.⁷

علامه طباطبائی درباره خرافه می‌گوید: اعتقاد به آنچه علم به حقیقت آن نداریم و نمی‌دانیم خیر است یا شر جزو خرافات است.⁸ تعریفی که می‌توان ارائه کرد که مورد پذیرش ادیان باشد این که خرافه، ترس بیهوده از عوامل و مرتبط دانستن پدیده‌های نامربوط به یکدیگر که رابطه‌ی بین آن‌ها نه از نظر علم و عقل ثابت شده و نه از سوی دین تاییده شده است.⁹

درنتیجه، در حال حاضر که خرافات بزرگ‌ترین مانع در راه اندیشه‌ی انسان می‌باشد و اندیشمندان خرافه‌زدایی را مهم‌ترین عامل رشد فکری جوامع می‌دانند. لذا مهم‌ترین اقدام پیامبر (صلی الله علیه و آله) در راه برطرف

¹ فراهیدی، العین، ج 4، ص 225.

² زبیدی، تاج العروس، ج 12، ص 162.

³ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص 7.

⁴ معین، فرهنگ فارسی معین، ج 1، ص 405.

⁵ طریحی، مجمع البحرین، ج 1، ص 638.

⁶ پاکدامن، جامعه در کمال خرافات، ج 78، ص 38.

⁷ نوری، اسلام و عقاید و آراء بشری، ص 490.

⁸ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ج 1، ص 422.

⁹ علوی نژاد، قرآن و خرافه باوری، ص 250.

کردن خرافات، که به پشتوانه ی وحی در جهت رشد حیات فکری، عقلانی جامعه تلاش کرده اند که مردم را به خردورزی فراخوانده و ایشان دینداری بدون آگاهی را بی ارزش دانسته اند.

2-1- خرافات در نگاه قرآن کریم

نقش پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در خرافه زدایی باتوجه به گستردگی و نفوذ خرافات در عصر جاهلی، به پاکسازی اندیشه های خرافی در طول زندگی پربرکت خود پرداخته است؛ البته مبارزه ی جدی و مستمر آن حضرت به عصر بعثت باز می گردد. این مبارزات در قالب های مختلفی از جمله رشد حیات فکری، عقلانی جامعه به انجام رسیده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای بالا بردن سطح افکار و اندیشه ها تلاش کرد تا مردم درست بیندیشند و حقیقت را از خرافه بازشناسند.

قرآن کریم، رسالت آن بزرگوار را در این باره بیان فرموده است: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ «و از دوش آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است، برمی دارد.» «اصر» به معنای نگهداری و محبوس کردن است و به کار سنگینی که انسان را از فعالیت باز می دارد، «اصر» گفته می شود؛ و به دلیل محدودیت هایی که برای انسان ایجاد می شود، به عهد و پیمان، مجازات و کیفر «اصر» می گویند.^۲

یکی از مصادیق «اصر» در عرب جاهلی، خرافات بود که پر و بال اندیشه ی آنها را بسته بود. آنان به جای ریشه یابی علت ها و دست یافتن به راه حل ها به اوهام و خرافات معتقد بودند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این غل و زنجیرهای بازدارنده را از دست و پای فکر و اندیشه ی آنها گشود و از همین مردم با این کج اندیشی ها و خرافات، ملتی صاحب اندیشه و متمدن پدید آورد.^۳

یکی دیگر از خرافه های رایج در میان مردم جاهلی، شوم دانستن عطسه بود. اسلام با این پندار خرافی نیز مبارزه کرد و عطسه را نعمتی برای بدن شمرده که بابت آن باید شکرگزار خداوند بود.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره نعمت عطسه، چندین حدیث نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم: «هرگاه کسی عطسه کرد، حمد خدا گوید و کسی که بر او می گذرد، برای او طلب رحمت کند و عطسه کننده نیز در پاسخ، هدایت و عاقبت به خیری را طلب کند.»^۴ «عطسه کردن مریض، نشانه ی سلامتی و آسودگی

^۱ اعراف، 157.

^۲ دهخدا، لغت نامه دهخدا، 1341.

^۳ مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج 6، ص 400.

^۴ صحیح بخاری، الجامع الصحیح، ج 5، ص 2298.

فرزندخواندگی یکی دیگر از مقررات خرافی و غیرمنطقی مردم جاهلی بود که اسلام آن را محکوم و سرزنش می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ»؛ «و پسرخواندگانتان را پسران واقعی شما قرار نداده است.»^۱

برای باطل کردن این رسم نادرست، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همسر پسر خوانده‌اش، زید بن حارثه را پس از طلاق گرفتن، به ازدواج خود در آورد و با این سنت خرافی و بی‌اساس مبارزه کرد.

در بسیاری از آیه‌های قرآن، زنده به گور کردن دختران، نمونه‌ای از خرافه‌های ناپسند معرفی شده و شناعت و قباحیت این کردار نادرست، قطعی است. برای مثال، خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ»؛ «هرگاه یکی از آنان را به دختر مزده آرند، چهره‌اش سیاه می‌گردد، در حالی که خشم و اندوه خود را فرو می‌خورد. از بدی آنچه بدو بشارت داده شده، از قبیله خود روی می‌پوشاند. آیا او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد داوری می‌کنند.»^۲

این آیه‌ها، با اشاره به واکنش مشرکان در برابر شنیدن خبر تولد دختر، به خوبی از بی‌حرمتی و ستمی که در عصر جاهلیت در حق دختران می‌شد، پرده بر می‌دارد و آن عصر تاریک را با چنین بیان رسایی ترسیم می‌کند که پدر، هنگام دختردار شدن، از قبیله خود فرار می‌کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز بر کرامت انسانی دختر بسیار تأکید کرده و تولد دختر را گشوده شدن درهای رحمت خداوند می‌داند و می‌فرماید: «چه خوب فرزندی است دختر! هم با محبت است، هم کمک کار، هم مونس است و هم پاک و پاک کننده.» مسئله زنده به گور کردن دختران، به اندازه‌ای در قرآن زشت و منفور معرفی شده، که رسیدگی به این موضوع در آخرت، یکی از رویدادهای مهم رستاخیز است و خداوند می‌فرماید: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»؛ «از دخترانی که با بی‌رحمی تمام زنده به گور شده‌اند، سؤال می‌شود: به چه جرمی کشته شدند؟»^۳

«گویی این جنایت به قدری وحشتناک است که به قاتلان نگاهی نمی‌شود، و با پرسش از آن کودکان بی‌گناه، سنگینی جرم به رخ قاتلان کشیده می‌شود. خبر بازپرسی و محاکمه عاملان این جنایت، نشانه مبارزه قاطع قرآن

^۱ احزاب، ۴.

^۲ نحل، ۵۸-۵۹.

^۳ تکویر، ۸-۹.

پیامبر گرامی اسلام نیز در سیره خود با این خرافه، مبارزه و بر کرامت انسانی دختر تأکید کرده است. آن حضرت تولد دختر را گشوده شدن ناودان رحمت الهی می‌داند. در روایتی آمده است: وقتی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر دادند خداوند به او دختری عطا کرده است، نگاه حضرت به صورت اصحابش افتاد و چون آثار ناخشنودی را در چهره آنان دید، فرمود: «ما لكم؟ رِيحَانَةٌ أَشْمُهَا وَ رِزْقُهَا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ «این چه حالتی است که در شما می‌بینیم؟ خداوند گلی به من داده، آن را می‌بویم و روزی اش با خداست.»^۱

با همه تلاش‌هایی که قرآن کریم و پیامبر گرامی اسلام برای مقابله و مبارزه با فرزندکشی و تحقیر جنس مؤنث انجام دادند، پس از گذشت قرن‌ها از عصر جاهلیت، این مسئله (کشتن فرزندان) باز رواج یافته و در بسیاری از کشورهای به اصطلاح متمدن و پیشرفته، سقط جنین آزاد و قانونی اعلام شده است.

مجله امریکایی مشهور «کریستین ساینس» در شماره جمعه ۲۰۰۷/۱۰/۱۹ در مقاله مهمی با عنوان «مازاد فرزندان پسر در چین یک بمب ساعتی سیاسی» نوشت: سیاست تک فرزندی در چین که دولت آن را بر چینی‌ها تحمیل کرده است هم اینک پی آمدهای وخیم خود را نشان می‌دهد. این نشریه می‌افزاید: نسبت مردان به زنان در چین پنج یا شش به یک است و این بدان معناست که بسیاری از مردان چینی نخواهند توانست برای خود خانواده‌ای تشکیل دهند و چین باید انواع گوناگونی از انواع ناهنجاری‌های اجتماعی و قانونی را از پیش پا بردارد تا از وضع کنونی نجات یابد. از سوی دیگر، به نوشته نشریه

علوم پزشکی انگلستان به دلیل گرایش به فرزند پسر در دنیا، سالانه در حدود ۱۰۰ میلیون کودک مؤنث زنده به گور می‌شوند که از این تعداد ۱۵ میلیون دختر به چین اختصاص دارد و در سال‌های آینده، موجب قاچاق شمار بالایی از زنان می‌شود و خسارت اقتصادی آن بیشتر متوجه کشورهای در حال رشد است، نه کشورهای دیگر.

شاید مجموعه دختران زنده به گور شده در دوران جاهلیت از ۱۰۰ تن تجاوز نکند، ولی هم اکنون طبق این آمارهای یاد شده، شمار دختران زنده به گور شده از صد و هزار نفر بالاتر رفته و به میلیون‌ها در سال رسیده است.^۲ پیامبر گرامی اسلام با بیان «إِنَّ هَذِهِ لَقَسْوَةٌ وَمَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ»، فرزندکشی را ممنوع و محکوم کرد، ولی در حال حاضر متأسفانه جاهلیت بار دیگر به جهان بازگشته و عاملان این جنایت با ادعاهای دروغین طرفداری از حقوق زنان، معایب خود را می‌پوشانند.^۳

^۱ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۶۵.

^۲ مجله کلام اسلامی، زنده به گور کردن دختران، ص ۱۵۴-۱۵۵.

^۳ سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۹.

درباره مبارزه اسلام با مصادیق خرافه، به بیان این چهار نمونه بسنده می‌کنیم، اما لازم است برخی مصادیق خرافه، که قرآن و پیامبر اکرم آنها را نفی کردند، اما از روزگاران جاهلیت تا عصر حاضر همچنان در بین مردم رواج دارد.

نتیجه گیری

از آفت های فکری، فرهنگی و اعتقادی که به صورت های مختلف در زمان عصر جاهلیت انسان ظهور کرده است، خرافات می باشد. مبارزه با خرافات و راه های بیهوده و باطل، در سرلوحه تعلیمات پیامبران و رهبران الهی بوده است، به گونه ای که پیامبر (صلی الله علیه و آله) با خرافات مبارزه شدیدی را شروع کرده بود که همراه با موفقیت بود. قرآن کریم به عنوان منبع اصیل اسلامی به انسان دستور می دهد که از آنچه که خداوند نازل کرده است پیروی کند و هیچ فردی حق ندارد بدون علم سخنی بر زبان بیاورد تا از عقاید باطل در امان بماند و راه حقیقت را در پیش بگیرد. البته کسی که اهل خردورزی باشد به راحتی هر سخنی را باور نکرده و بدون مطالعه و تحقیق واکنش نشان نمی دهد بلکه خوب مشاهده می کند و پس از تحلیل و بررسی تصمیم لازم را می گیرد. بر علمای راستین واجب است که در برابر خرافات ایستاده باشند و نسبت به مردم و جامعه بی تفاوت نباشند و احساس مسئولیت کنند و مردم را با حقیقت و واقعیت دین آشنا کنند تا دچار خرافات که بدترین دشمن اعتقادات است نشوند.

منابع

- 1- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، 1385 ش.
- 2- ایازی، محمدعلی، قرآن و مبارزه با خرافه، مجموعه مقالات ره افسانه، عروج، تهران، 1390.
- 3- ابن شعبه، حرانی، تحف العقول، ج 1، نشر: اندیشه مولانا، چاپ: اول، 1392.
- 4- ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، ج 3، نشر: مولی، 1396.
- 5- ابن حجر، عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج 1، نشر: دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415 ه.
- 6- ابن ندیم، محمد، الفهرست، نشر: دنیای کتاب، چاپ: اول، 1394.
- 7- السباعی، احمد، تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه، نشر: مشعر، 1385.
- 8- اصفهانی، حمزه، سوائر الامثال علی افعل، نشر: عالم الکتب، بیروت، 1409 ه.ق.
- 9- بخاری، محمد، الجامع الصحیح، نشر: شیخ الاسلام احمد جام، چاپ: سوم، 1391.
- 10- پاکدامن، محمد حسن، جامعه در مقابل خرافات، نشر: مرندیز، 1378.
- 11- جاهدودا، گوستاو، روان شناسی خرافات، ترجمه: محمد تقی براهنی، نشر: نو، تهران، 1363.
- 12- جوان هوشیار، جعفر، خرافات و علل شیوع آن در جامعه از منظر اسلام، شمیم انتظار سبز، تبریز، 1392.
- 13- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج 15، نشر: کتاب فروشی اسلامی، چاپ: هفتم، 1378.
- 14- حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تهران: دارالحدیث، چاپ پنجم، 1395 ش.
- 15- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1352.
- 16- زنده به گور کردن دختران، مجله کلام اسلامی، شماره: 63، 1386.
- 17- زمخشری، محمود، تفسیر کشاف، ج 4، چاپ: دوم، 1391.
- 18- زبیدی، محمد، تاج العروس، نشر: دارالکفر، بیروت، 1373.
- 19- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج 1، نشر: بوستان کتاب قم، 1385.
- 20- سبزی، ابوالفضل، شام پریشانی، عصر رهایی، چاپ: دوم، 1391.
- 21- صادقی اردستانی، احمد، جاهلیت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، نشر: دفتر نشر محمد (ص)، قم، 1362.

- 22- صدوق، محمد بن علی، **الخصال**، نشر: علمیه اسلامیة، 1363.
- 23- طباطبایی، محمد حسین، **تفسیر المیزان**، ج 15، نشر: رجا، 1367.
- 24- طبرسی، حسن به فضل، **مجمع البیان**، ج 10، نشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ: دوم، 1386.
- 25- طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، ج 6، نشر: مرتضوی، چاپ: دوم، 1365.
- 26- علوی نژاد، حیدر، **قرآن و خرافه باوری**، نشر: مجله پژوهش های قرآنی، شماره: 37-38، 1383 ش.
- 27- فتاحی زاده، فتحیه، **زن در تاریخ و اندیشه اسلامی**، ج 1، نشر: بوستان کتاب قم، 1387.
- 28- فراهیدی، خلیل، **العین**، انتشارات هجرت، قم، 1410.
- 29- قرشی، علی اکبر، **تفسیر احسن الحدیث**، ج 8، نشر: بنیاد بعثت، 1371.
- 30- کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، 1384 ش.
- 31- کاشانی، محمد، **الوافی**، ج 9، نشر: دار زین العابدین، چاپ: اول، 1399.
- 32- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، ج 23، نشر: دارالکتب الاسلامیه، 1353.
- 33- محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، ج 14، نشر: موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ: شانزدهم، 1398.
- 34- مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، تهران: اسلامیة، چاپ چهارم، 1386 ش.
- 35- معین، محمد، **فرهنگ فارسی معین**، ج 2، ثامن چاپ، تهران، چاپ: ششم، 1386.
- 36- متقی هندی، **کنز العمال**، نشر: موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ: اول، 1374.
- 37- میرزایی، سکینه، **خرافه گرایی و خراف زدایی**، نشر: مرکز نشر هاجر، چاپ: اول، 1396.
- 38- نوری، یحیی، **جاهلیت در اسلام**، نشر: نوید نور، چاپ: دهم، 1385.
- 39- _____، **اسلام و عقاید و آراء بشری**، نشر: دارالکتب الاسلامیه، 1257.
- 40- نوری، حسین، **مستدرک الوسائل**، نشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ: اول، 1392.
- 41- یوسفی، علی رضا، **محمد امین**، ج 1، نشر: میثم تمار، چاپ: اول، 1385.
- 42- یدالله پور، محمد هادی و دیگران، **جاهلیت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه**، تفسیر پژوهی، 1398.